



فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۷، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۱۸۵-۱۶۷

مقاله پژوهشی

طراحی مدل خط مشی گذاری توسعه صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد ایران

یعقوب پناهی فر^۱

دانشجوی دکتری خط‌مشی گذاری پردیس البرز دانشگاه تهران

محمد خوش چهره

استادیار اقتصاد دانشگاه تهران

محمد رضا حمیدی زاده

استاد مدیریت دانشگاه شهید بهشتی

عباس منوریان

استاد مدیریت دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۹۹/۹/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۲/۱۲)

چکیده

این پژوهش با هدف طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات غیرنفتی در مناطق آزاد و ریل‌گذاری به سوی تحقق اهداف صادراتی با رویکرد کیفی مبتنی بر نظریه داده‌بنیاد و طی سه مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی انجام شده است. داده‌های تحقیق که از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته جمع‌آوری شده است، دارای ۴۰۲ کد اولیه، ۶۳ مقوله فرعی و ۱۸ مقوله اصلی می‌باشد. بر اساس نتایج نهایی، عوامل علی (عوامل بازدارنده تولید، موانع خط‌مشی‌گذاری، موانع اجرایی قوانین و خط‌مشی‌ها و موانع صادرات در سطح بنگاه) بر توسعه صادرات غیرنفتی در مناطق آزاد تأثیرگذارند. همچنین عوامل زمینه‌ای (بسترها و الزامات مناطق آزاد، ساختار اقتصادی، ساختار فرهنگی و توانمندی‌ها و مزیت‌های مناطق آزاد) و عوامل مداخله‌گر (عوامل فشار و ذی‌نفع و فساد و منفعت‌طلبی) بر عوامل راهبردی اثر می‌گذارند و در نهایت، عوامل راهبردی (بهبود فرآیند تصمیم‌گیری، بهبود ساختار شورای عالی، پیروی از الگوهای ملی توسعه صادرات، سیاست‌های رونق تولید، سیاست‌های توسعه صادرات، بهبود عوامل بازاریابی و ارتقاء بهره‌وری مدیریت) باعث تبدیل مناطق آزاد به سکوی صادرات و موتور توسعه کشور و همچنین تحقق اهداف مناطق آزاد خواهند شد.

واژگان کلیدی: مدل خط‌مشی‌گذاری، توسعه صادرات، صادرات غیرنفتی، مناطق آزاد.

1- نویسنده مسئول Email: Ypyapanahi@gmail.com

مقدمه

پس از انقلاب صنعتی و پیشی گرفتن کشورهای صنعتی از سایر ممالک دنیا، میل به توسعه صنعتی در کشورهای دیگر نیز قوت گرفت و کشورهایی که توانستند فاصله خود را با کشورهای صنعتی کم کنند کشورهای در حال توسعه لقب گرفتند. این کشورها برای صنعتی شدن، تحت تأثیر سیاست‌های پیشنهادی نهادهای بین‌المللی، ابتدا سیاست جایگزینی واردات را در پیش گرفتند و این سیاست تا دهه‌های ۱۹۶۰ و حتی ۱۹۷۰ هم ادامه پیدا کرد ولی این سیاست اگرچه در ابتدا منافعی را برای این کشورها در پی داشت ولی به مرور زمان موازنه پرداخت آنها را حتی وخیم‌تر از گذشته کرد، کشورهای در حال توسعه در ۱۹۶۰ فقط ۳٫۹ درصد از تجارت جهانی در تولید صنعتی را در اختیار داشتند، ولی در ۱۹۷۰ سهم آنها به ۵ درصد و تا ۱۹۸۰ به ۹٫۱ درصد افزایش یافت، نکته قابل توجه این است که این افزایش از سهم تجارت جهانی مقارن با اتخاذ سیاست‌های توسعه صادرات توسط برخی از این کشورها از جمله کشورهای هنگ‌کنگ، سنگاپور، کره جنوبی و تایوان بوده است (گریفین، ۱۳۹۴). بنابراین یکی از مهم‌ترین نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی، سیاست توسعه صنعتی از طریق توسعه صادرات است و کارآمدترین اقدام عملی و تجربه موفق کشورهای پیشرفته و در حال توسعه برای توسعه صادرات نیز ایجاد مناطق آزاد صنعتی است به همین ترتیب، موفق‌ترین سیاست اجرایی در مناطق آزاد صنعتی نیز، سیاست پردازش صادرات و راه‌اندازی تولیدات صادرات محور در این مناطق است. در همین راستا، مناطق آزاد در اغلب کشورهای جهان عمدتاً با هدف توسعه صادرات پردازشی و صنعتی یکی پس از دیگری ثبت و راه‌اندازی شدند و در ایران نیز این مناطق، برای تسریع در انجام امور زیربنایی، عمران و آبادانی، رشد و توسعه اقتصادی، سرمایه‌گذاری و افزایش درآمد عمومی، ایجاد اشتغال سالم و مولد، تنظیم بازار کار و کالا، حضور فعال در بازارهای جهانی و منطقه‌ای، تولید و صادرات کالاهای صنعتی و تبدیلی و ارائه خدمات عمومی، تصویب و عملیاتی گردیدند. امروزه رشد صادرات برای دولت‌ها به منزله کلیدی برای بازآفرینی اقتصاد است (گریفیت و زینکوتا، ۲۰۱۲) و متنوع‌سازی درآمدهای ارزی از طریق درآمد حاصل از صادرات غیرنفتی و کاهش وابستگی به درآمد نفت، یکی از راه‌های مبارزه با اقتصاد تک محصولی می‌باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۹). لذا از آنجا که شناسایی و اولویت‌بندی مهم‌ترین عوامل مؤثر بر صادرات غیر نفتی همواره یکی از موضوعات اساسی در عرصه سیاست‌های کلان کشور بوده است، بدیهی است که بررسی این موضوع در مناطق آزاد از اهمیت دوچندان برخوردار خواهد بود و پژوهش حاضر نیز با هدف طراحی مدل خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تلاشی برای پوشش نیاز موجود در این راستا می‌باشد. سازمان بین‌المللی کار منطقه آزاد را چنین تعریف کرده است: «مناطق صنعتی با انگیزه‌های خاص که جهت جذب سرمایه‌گذاران خارجی راه‌اندازی می‌شوند که در این مناطق، مواد وارد شده پیش از اینکه مجدداً صادر شوند تا حدی پردازش

می‌شوند» (للو، ۲۰۰۳). طبق آخرین تعریف آنکتاد (۲۰۱۹) منطقه ویژه اقتصادی، منطقه محصور جغرافیائی است که دولت‌ها از طریق مشوق‌های مالی و قانونی و پشتیبانی زیرساخت، فعالیت صنعتی را در آن تسهیل می‌کنند، باست (۲۰۱۹) به استناد تعریف آنکتاد، مناطق آزاد و مناطق پردازش صادرات را نیز در زیرمجموعه مناطق ویژه اقتصادی قلمداد می‌کند و مناطقی از قبیل پارک‌های علمی، پارک‌های تکنولوژی پیشرفته، پارک‌های خدماتی، مناطق سبز و مناطق توسعه گردشگری را نیز در شمول مناطق ویژه اقتصادی به حساب می‌آورد. اولین منطقه آزاد در بروکلین آمریکا در سال ۱۹۳۷ تأسیس گردید (بانک جهانی ۲۰۱۷). طبق گزارش سازمان جهانی مناطق آزاد (۲۰۲۱) در حال حاضر ۲۲۶۰ منطقه آزاد در اطراف جهان مشغول فعالیت هستند که حدوداً از ۷۰ میلیون شغل حمایت می‌کنند.

پیشینه پژوهش

خورشیدی و همکاران (۱۳۹۵)، به طراحی و تبیین الگوی توسعه صادرات در مناطق آزاد تجاری ایران پرداختند. در این مدل به عواملی نظیر ویژگی‌های محیط خرد و کلان، ساختار صادراتی مناطق آزاد تجاری، منابع قابلیت‌های سازمانی، قابلیت‌ها و شایستگی‌های مدیریت، استراتژی رقابتی و استراتژی‌های بازاریابی صادراتی در دو عامل اصلی محیط و شرکت توجه شده است. خوش چهره و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی به ارائه الگوی راهبردی تولید ملی با رویکرد اقتصاد مقاومتی پرداختند، برخی از مهمترین شاخص‌های بدست آمده از مدل در بعد زمینه‌ای (امنیت و ثبات اقتصادی؛ بهبود فضای کسب و کار)، بعد ساختاری (کاهش وابستگی به نفت؛ بازتعریف نظام مالیاتی، پولی و مالی؛ تأمین مالی کارآمد و توسعه زیرساخت‌ها) و در بعد راهبردی (حمایت از تولید داخلی، دانش بنیان و مردم بنیاد، و مبارزه با قاچاق و فساد) بوده‌اند. ولی‌زاده‌اوغانی و تقی‌زاده اصل (۱۳۹۵) در مطالعه‌ای به بررسی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد ارس پرداختند. نتایج حاصله نشان داد که متغیرهای مدیریت، توسعه صادرات، جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، عامل امکانات زیربنایی و قوانین و مقررات هر کدام در توسعه سرمایه‌گذاری در منطقه آزاد ارس تأثیر مثبت داشته‌اند، منوریان و همکاران (۱۳۹۱)، در مطالعه‌ای به طراحی الگوی خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط کشور پرداخت نتایج این تحقیق نشان می‌دهد در خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات SMEها، "توانمندسازی و ارتقای قابلیت‌های صادراتی بنگاه‌ها" به‌عنوان راهبرد اصلی، "ایجاد بسترهای مناسب برای توسعه صادرات" به‌عنوان عامل زمینه‌ساز محیطی، "ایجاد انگیزه برای شروع و تداوم صادرات" و "توسعه زیرساخت‌های تسهیل‌کننده صادرات" به‌عنوان شرایط مداخله‌گر، باید مورد توجه سیاستگذاران قرار گیرد. حمیدی‌زاده و زرگران‌یزد (۱۳۹۵)، در کتاب "راهبردهای ورود و حفظ بازارهای منطقه‌ای و جهانی" بیان می‌دارند: شناخت دانش راهبردی، موقعیت‌های محیطی و قابلیت‌های درونی، این امکان را برای مدیران علاقه‌مند به

حضور در عرصه بین‌المللی فراهم می‌کند تا قادر باشند راهبردهای مناسبی را برای کسب موفقیت در بازارهای بین‌المللی تدوین کنند. کلایمنت (۲۰۱۸) مهمترین الزامات بومی سازی مناطق آزاد برای توسعه منطقه ای مطابق استانداردهای جهانی را، عواملی از قبیل ثبات سیاسی و اقتصادی، سیستم حمل و نقل و ارتباطات مناسب، سازگاری با محیط زیست، زیرساخت‌های قابل اطمینان مانند حمل و نقل و آب و انرژی، دسترسی به بازار، زیرساخت‌های مالی و بانکی، نیروی کار ماهر و ارزان، تولید و صنایع کاملاً پیشرفته، تولید صنعت سبک و کارکنان با کیفیت بالا ذکر می‌کند. الوارز و لویز (۲۰۰۸)، در پژوهشی به بررسی الگوهای متعدد و عوامل مؤثر بر ورود و خروج صنایع تولیدی در بازارهای بین‌المللی پرداختند. تجزیه و تحلیل اقتصادسنجی نشان می‌دهد که در صنعت، عدم تجانس اندازه‌گیری شده، ناشی از تفاوت در بهره‌وری و یا دیگر ویژگی‌های شرکت است و دارای اثر قابل توجهی در بازارهای بین‌المللی است و هزینه‌های تجارت، شدت و نوسانات در نرخ ارز، نقش کوچکی در ورود و خروج در بازارهای بین‌المللی دارند. مورل جانتان (۲۰۱۸) در مطالعه‌ای در خصوص ارزیابی منظم خط‌مشی‌ها، بر شناسایی نتایج منفی و ناخواسته اجرای خط‌مشی‌ها برای نتیجه بخشی آنها تأکید می‌ورزد.

روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش: این تحقیق از دیدگاه هدف کاربردی محسوب می‌گردد ولی از آنجا که با استفاده از روش تحقیق کیفی داده بنیاد، در صدد تدوین و طراحی یک الگوی جدید از درون واقعیات بیرونی است در زمره تحقیقات بنیادی نیز به حساب می‌آید. این تحقیق همچنین از نظر نوع روش تحقیق در شمول تحقیقات اکتشافی - توصیفی قرار می‌گیرد، ابزار گردآوری داده‌ها، مصاحبه نیمه ساختاریافته است و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار MAX QDA نسخه ۲۰۲۰ و شیوه مبتنی بر رویکردهای تفسیری استفاده شده است.

جامعه و نمونه آماری: نمونه آماری روش تحقیق را ۲۰ نفر از مدیران ارشد و کارشناسان فعال در حوزه اداره و خط‌مشی‌گذاری مناطق آزاد، اساتید و پژوهشگران فعال در زمینه صادرات و مناطق آزاد و همچنین مدیران و صادرکنندگان بخش خصوصی تشکیل می‌دهند که نسبت به موضوع پژوهش تخصص و آگاهی لازم را دارا بودند و به روش گلوله برفی و اشباع نظری انتخاب گردیدند. بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان شامل سطح تحصیلات، سن و مراتب اداری آنها (جدول ۱) نشان می‌دهد که ۶۰ درصد از نمونه آماری، دارای مدرک دکترا و ۵۵ درصد از آنها، از مدیران ارشد کشور و مناطق آزاد بوده‌اند.

جدول ۱ - ویژگی‌های جمعیت شناختی مصاحبه‌شوندگان

درصد	فراوانی	دکتر	کارشناسی ارشد	لیسانس	سن	
۵	۱			۱	۵۰-۴۰	کارشناس
					۶۰-۵۱	
					بالای ۶۰	
۴۰	۸			۱	۵۰-۴۰	مدیر میانی
		۳	۴		۶۰-۵۱	
					بالای ۶۰	
۵۵	۱۱	۳			۵۰-۴۰	مدیر ارشد
		۳	۲		۶۰-۵۱	
		۳			بالای ۶۰	
۱۰۰	۲۰	۱۲	۶	۲		فراوانی
	۱۰۰	۶۰	۳۰	۱۰		درصد

اعتباریابی: نظریه بر پایه باید همان شبکه مقولات و روابط را توضیح دهد که اطلاع‌رسانان، قصد بیان آن را داشتند و تجربه‌های زیسته و اندیشیده آنها بازنمایی بشود و همچنین باید توسط همکاران و مشارکت کنندگان و ممیزی‌های لازم چک شود (فراستخواه، ۱۳۹۵). ملاک‌های متنوع و مختلفی برای اعتباریابی نظریه داده بنیاد توسط صاحب‌نظران، پیشنهاد و ارائه گردیده است که تحقیق حاضر همه معیارهای استاندارد را برای صحت و موجهیت مدل و نتایج نهائی مد نظر قرار داده است و در زیر به چند مورد از این ملاک و معیارها برای اطمینان از روائی و پایایی نتایج تحقیق اشاره می‌گردد.

اشباع داده‌ها: محقق با ۲۰ نفر از خبرگان، مدیران ارشد و فعالان مناطق آزاد و صادرات مصاحبه عمیق انجام داده است ولی از مصاحبه چهاردهم به بعد یافته یا مفهوم جدیدی به کدهای اولیه افزوده نگردید در نتیجه اشباع داده‌ها به وضوح قابل تشخیص بود با این وجود انجام مصاحبه‌های جدید ادامه پیدا کرد تا اطمینان بیشتری از اشباع داده‌ها حاصل گردد مضاف بر اینکه انجام مصاحبه‌های جدید و تکرار برخی از کدها به اهمیت برخی از مفاهیم می‌افزود و درک محقق از روابط متغیرها را عمیق‌تر، مستندتر و مستحکم‌تر می‌ساخت.

کفایت نمونه: کفایت نمونه به دو موضوع کفایت تعداد و کفایت نظری یا صلاحیت مصاحبه‌شوندگان می‌پردازد به دلیل اشباع داده‌ها، کفایت تعداد نمونه‌ها به خودی خود قابل اثبات است و برای اعتبار کفایت نظری از روش گلوله برفی برای نمونه‌برداری استفاده شده است ابتدا تعدادی از دست‌اندرکاران خط مشی‌گذاری مناطق آزاد به صورت هدفمند انتخاب گردیدند و

نمونه‌های بعدی با پیشنهاد و معرفی افراد اولیه و سایر صاحب‌نظران به شرط داشتن تخصص قوی و رابطه کاری یا تحقیقی زیاد و متمایز بودن در بین جامعه تحقیق انتخاب گردیدند.

قابلیت اطمینان در داده‌ها: پایایی و صحت و ثبات داده‌ها از طریق بررسی‌های مکرر توسط همکاران، استادان راهنما و مشاور، و واری‌های متقابل و مجدد توسط یک تیم سه نفره از مشاوران تحقیق به انجام رسیده است.

روائی محتوائی: مقوله‌های استخراج شده حسب موارد مقتضی با مصاحبه‌شوندگان در میان گذاشته شد و در صورت لزوم نسبت به اصلاح کدها و مقولات و تأیید مجدد و نهایی آنها اقدام گردید.

یافته‌های پژوهش

کدگذاری باز (مفاهیم): چارمز کدگذاری باز را تحت عنوان کدگذاری اولیه یا کانونی بیان می‌کند (Charmz, 2006)، اما صرف‌نظر از نوع نام‌گذاری، مهم‌ترین اقدام در کدگذاری باز، مقایسه مفاهیم و مقوله‌بندی کردن کدهاست، «مقوله‌ها، در قیاس با مفاهیم، انتزاعی‌ترند و سطحی بالاتر را مشخص می‌کنند» (Corbin & Strauss, 1990, p.7).

در این پژوهش، در ابتدا تعداد ۶۱۸ کد یا مفهوم اولیه از خلال مصاحبه‌ها، شناسایی و ثبت گردید ولی پس از حذف و ادغام کدهای تکراری و مشابه، نهایتاً تعداد ۴۰۲ کد متمایز یا مفهوم اولیه به دست آمد. این تعداد مفاهیم بر اساس مشابهت‌ها و تفاوت‌ها و همچنین ابعاد و کارکردها، به ۶۳ مقوله فرعی و ۱۸ مقوله اصلی طبقه‌بندی گردیدند که نمونه‌ای از نتیجه نهایی کدگذاری باز در جدول شماره ۲ قابل مشاهده است.

جدول ۲ - کدگذاری باز: دسته‌بندی کدهای اولیه و شکل‌گیری مقوله‌های مدل خط‌مشی‌گذاری

مؤلفه‌ها	ابعاد مدل	مفاهیم (شاخص‌های هر بُعد)
عوامل بازدارنده تولید	موانع سرمایه‌گذاری	خروج سرمایه (+)، ضعف امنیت سرمایه‌گذاری، بالا بودن نرخ بهره (+)، بالاتر بودن هزینه‌های تولید در مناطق آزاد، نقصان و پراکندگی قواعد سرمایه‌گذاری، مزیت واردات نسبت به تولید (+) (+)، ضعف حمایت دولت از ایده‌ها و تولید در مقیاس بین‌الملل
	موانع تولید	کمبود منابع مالی، حمایت ضعیف بانک‌ها از تولید، پوشش ناقص سلابق بوسیله تولید داخلی، نگاه محدودکننده متولیان صنعت به تولید، کمبود مواد اولیه، کوچک بودن اکثریت واحدهای تولیدی

مؤلفه‌ها	ابعاد مدل	مفاهیم (شاخص‌های هر بُعد)
موانع خط مشی گذاری مناطق آزاد	ضعف ساز و کار تصمیم‌گیری شورای عالی	خلاق علمی در ساختار تصمیم‌گیری (+)، عدم کار مطالعاتی، فرایند زمانبر تصمیم (+)، عملی نشدن تفویضات دولت به شورای عالی مناطق (+)، کم توجهی به سیاستگذاری اصولی و سیستماتیک برای مناطق (+) (+)، ایجابی بودن تشکیل جلسات شورای عالی، جلسات اندک شورای عالی مناطق آزاد، دشواری گردآوری اعضای شورای عالی مناطق آزاد، بزرگی شورای عالی مناطق آزاد، خط‌مشی گذاری مشکل محور (+) (+)، نگاه نظارتی و سختگیرانه در سیاستگذاری (+) (+)
	عوامل تعارض خط‌مشی‌ها	تغییر مکرر سیاستگذاری، ناهمخوانی خط‌مشی‌های مناطق آزاد با موازین اقتصاد ملی، پراکندگی و غیرعقلایی بودن خط‌مشی‌های صادراتی، تعدد ضابطه نویسان، تعدد و تعارض ضوابط و قوانین (+) (+)، ابلاغ ضوابط کشوری و حذف امتیازات مناطق در شرایط بحران (+) (+)، عدم ثبات قوانین و مقررات (+) (+)
	عوامل تعارض خط مشی‌پذیران	تمرکز اختیارات، کم توجهی به شایسته سالاری در نظام سیاستگذاری، نبود سازوکار شراکت مناطق آزاد در خط‌مشی گذاری، عدم التزام به مشارکت بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها (+)

کدگذاری محوری: شناسایی دسته اصلی (پدیده محوری)، اشباع داده‌های نظری، تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای پایدار و ماندگار، حساسیت نظری و یادداشت‌برداری در مرحله دوم یا میانی کدگذاری انجام می‌پذیرد (Birks & Mills, 2015). پدیده محوری، اولین و اساسی‌ترین مقوله یا متغیر مدل محسوب می‌گردد زیرا پس از تعیین مقوله محوری، سایر متغیرها نظم و سیاق پیدا می‌کنند و جایگاه و نقش هر متغیر یا مقوله دیگر در مدل، با توجه به نسبت و ارتباط آن با پدیده محوری، مشخص می‌شود، لذا با توجه به یافته‌های تحقیق و ارتباط بین متغیرها، توسعه صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد، به عنوان پدیده محوری و مرکز همه تحولات در نظر گرفته شد، زیرا همه تحولات، اقدامات، بایدها و نبایدها و اهداف اصلی مناطق آزاد، معطوف به توسعه صادرات در این مناطق است، لذا بدیهی است که این مقوله مرکز توجهات و گفتگوها در تمام مصاحبه‌ها و متون مربوط به مناطق آزاد را تشکیل داده باشد. به این ترتیب، پس از تعیین مقوله محوری، ۱۸ مقوله اصلی و کلان مدل، بر اساس ویژگی‌ها، ارتباطات، اثرات متقابل، تعاملات و درک روابط علت و معلولی در زیر مجموعه پنج سازه باقی‌مانده از چارچوب مدل، تحت عناوین: عوامل علی، راهبردها، عوامل زمینه‌ای، عوامل مداخله‌گر، و پیامدها، دسته‌بندی و مرتب گردیدند که نتایج آن در جدول ۳ نشان داده شده است.

جدول ۳ - سازه‌های مدل خط‌مشی گذاری

سازه (مقوله خوشه‌ای)	مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی
متغیرهای تأثیرگذار (شرایط علی)	عوامل بازدارنده تولید	موانع سرمایه‌گذاری
		موانع تولید

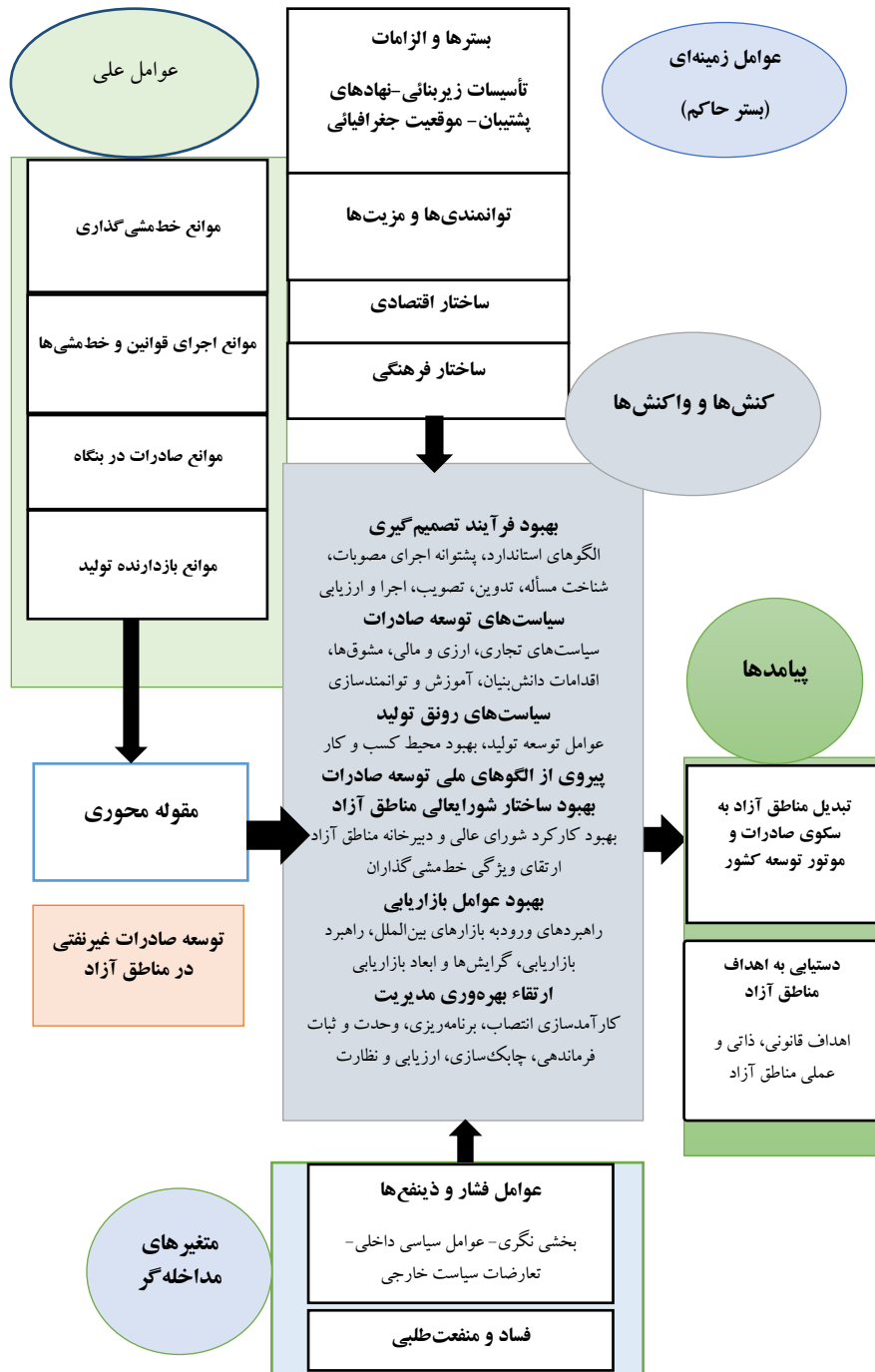
مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	سازه (مقوله خوشه‌ای)
موانع خط مشی گذاری مناطق آزاد	ضعف سازوکار تصمیم‌گیری شورای عالی	راهبردهای خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات
	عوامل تعارض خط‌مشی‌ها	
	عوامل تعارض خط‌مشی‌پذیران	
	اشکالات قانونی مناطق آزاد	
	انحراف از الگوی جهانی	
موانع اجرایی قوانین و خط‌مشی‌ها	قانون‌گریزی دستگاه‌های دولتی	
	موانع مدیریتی مناطق آزاد	
	تشریفات تجاری	
موانع صادرات در سطح بنگاه	ضعف عناصر رقابتی	
	مزیت رقبا	
بهبود فرآیند تصمیم‌گیری	الگوهای استاندارد	
	پشتوانه و ضمانت اجرایی مصوبات	
	شناخت و انعکاس مساله (به عرض‌رسانی)	
	تدوین خط‌مشی (به تدوین‌رسانی)	
	قانونی سازی (به تصویب‌رسانی)	
	ابلاغ و اجرا (به عمل‌رسانی)	
	ارزیابی (به اول‌رسانی)	
بهبود ساختار شورای عالی	بهبود کارکرد شورای عالی مناطق آزاد	
	بهبود کارکرد دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد	
	ارتقاء ویژگی خط‌مشی‌گذاران	
پیروی از الگوهای ملی توسعه صادرات	نهاد تنظیم‌گر	
	ارکان بالادستی	
	اسناد بالادستی	
سیاست‌های رونق تولید	عوامل توسعه تولید	
	بهبود محیط کسب و کار	
سیاست‌های توسعه صادرات	سیاست‌های تجاری	
	سیاست‌های ارزی و مالی	
	مشوق‌ها	
	اقدامات دانش‌بنیان	
	آموزش و توانمندسازی	
بهبود عوامل بازاریابی	راهبردهای ورود به بازارهای بین‌الملل	
	راهبردهای بازاریابی	
	گرایش‌های بازاریابی	
	ابعاد بازاریابی	

مقوله‌های اصلی	مقوله‌های فرعی	سازه (مقوله خوشه‌ای)
ارتقاء بهره‌وری مدیریت	کارآمدسازی انتصابات	
	برنامه‌ریزی	
	وحدت و ثبات فرماندهی	
	چابک‌سازی	
	ارزیابی و نظارت	
عوامل فشار و ذی‌نفع	بخشی‌نگری	شرایط مداخله‌گر
	عوامل سیاسی داخلی	
	آثار تعارضات سیاست خارجی	
	فساد و منفعت‌طلبی بخش دولتی	
فساد و منفعت‌طلبی	فساد و منفعت‌طلبی بخش خصوصی	
	الزامات ایجاد مناطق آزاد	
بسترها و الزامات مناطق آزاد	تأسیسات زیربنایی	
	نهادهای پشتیبان	
	ویژگی‌های موقعیت جغرافیایی	
	تأمین منابع اولیه	
ساختار اقتصادی	ساختار اقتصاد ملی	عوامل زمینه‌ای (بستر حاکم)
	ساختار اقتصاد مناطق آزاد	
	نبود جایگاه واقعی بخش خصوصی	
ساختار فرهنگی	فرهنگ سازنده	
	فرهنگ مخرب	
توانمندی‌ها و مزیت‌های مناطق آزاد	مزیت‌های تولید	
	مزیت‌های صادرات	
	مزیت‌های واردات	
	مزیت‌های عمومی	
تبدیل مناطق آزاد به سکوی صادرات	اهداف قانونی (مصوب قانونی)	پیامدهای خط‌مشی‌گذاری
	اهداف ذاتی (جهان‌شمول)	
	اهداف قانونی (مصوب قانونی)	
	اهداف ذاتی (جهان‌شمول)	
	اهداف عملی	

کدگذاری انتخابی: کدگذاری انتخابی، توسط صاحب‌نظران این رشته، تحت عناوین کدگذاری نظری و کدگذاری پیشرفته نیز خوانده شده است. کدگذاری پیشرفته در ادغام نظری

نهائی اتفاق می‌افتد، تئوریسین‌های سنتی^۲ و ساختارگرایان^۳ از این مرحله به عنوان کدگذاری نظری^۴ یاد می‌کنند در حالی که نظریه‌پردازان تکامل‌یافته^۵ (نوگرا) از اصطلاح کدگذاری انتخابی استفاده می‌کنند، در ادغام نظری از تکنیک خط داستانی کمک گرفته می‌شود که اساساً توسط استراوس و کوربین (۱۹۹۰) معرفی و ارائه گردید (Mills & Birks, 2020). مدل طراحی شده برای ترسیم و نمایش نتایج پژوهش در شکل ۱ ارائه گردیده است. همانطور که در این مدل به‌خوبی قابل مشاهده است عوامل یا متغیرهای علی شناخته شده عبارتند از: موانع خط مشی‌گذاری مناطق آزاد، موانع اجرای قوانین و خط مشی‌ها، موانع صادرات در سطح بنگاه و موانع بازدارنده تولید. این عوامل بر صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تأثیرگذار هستند و توسعه صادرات را با مشکل جدی مواجه می‌سازند. همچنین عوامل مداخله‌گر که عمدتاً بر راهبردها اثرات منفی می‌گذارند با عناوین: «عوامل فشار و ذی‌نفع» و «فساد و منفعت‌طلبی» در مدل معرفی گردیدند و در نهایت با نگاهی به مدل ارائه شده در تحقیق مشاهده می‌گردد که مهم‌ترین پیامدها یا نتایج نهایی مدل، عبارتند از تبدیل مناطق آزاد به سکوی صادرات و موتور توسعه کشور و تحقق اهداف مناطق آزاد، شامل اهداف قانونی، ذاتی و عملی که از طریق اجرای راهبردها تحقق پیدا می‌کنند.

2 - Traditional
3 - Constructivist
4 - Theoretical
5 - Evolved

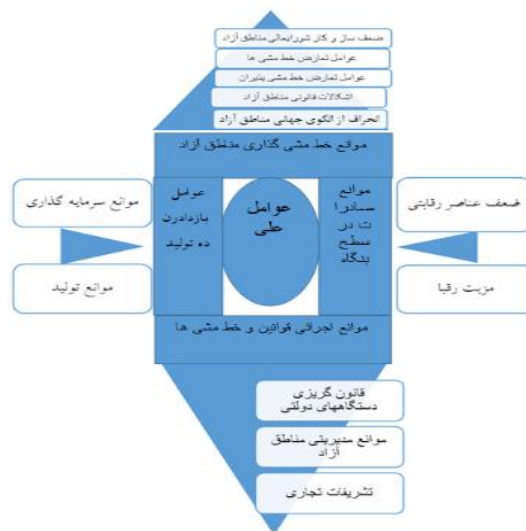


شکل ۱ - مدل خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد.

نتیجه‌گیری

امروزه توسعه اقتصادی و صنعتی مهم‌ترین نیاز و چالش کشورهای در حال توسعه است اما صرف تصمیم برای توسعه یافتگی، کاری از پیش نمی‌برد بلکه راهبرد و سیاست‌هایی که برای رسیدن به توسعه، توسط کشورها در پیش گرفته می‌شود نقش اساسی در موفقیت یا شکست آنها در این راه پر فراز و نشیب دارد. سال‌هاست که اغلب کشورهای در حال توسعه از جمله ایران، با پشت سر گذاشتن سیاست‌های نه چندان موفق جایگزینی واردات، به تدریج به سیاست‌های توسعه صادرات روی آورده‌اند. یکی از مهم‌ترین اقدامات کشورها برای اعمال راهبرد صنعتی شدن از طریق توسعه صادرات، ایجاد مناطق آزاد و ویژه صنعتی و اقتصادی و مناطق پردازش صادرات است. از طرفی دیگر حرکت از اقتصاد بسته به اقتصاد باز، جز با ایجاد مناطق آزاد و باز کردن آرام و تدریجی درهای اقتصاد، میسر نخواهد بود، به همین منظور در کشور ما نیز ۷ منطقه آزاد صنعتی، اقتصادی و تجاری ایجاد گردید ولی متأسفانه هیچ‌کدام از این مناطق آزاد نتوانستند به اهداف از پیش تعیین شده نائل آیند بلکه به دلیل بی‌برنامگی و مشکلات عدیده، برای تأمین منابع مالی خویش به واردات روی آوردند و اهداف ذاتی و قانونی خویش را به فراموشی سپردند، لذا از آنجا که بازگشت مناطق آزاد به جایگاه واقعی خویش امری حیاتی برای اقتصاد کشور محسوب می‌شود پژوهش حاضر به منظور طراحی مدل خط مشی‌گذاری توسعه صادرات غیرنفتی در مناطق آزاد، به مرحله اجرا درآمد. اگر بخواهیم شرح مختصری از مدل یا نظریه به صورت کلان و با تحلیل در سطح مقوله‌های اصلی، ارائه دهیم بدین مضمون خواهد بود که شش سازه کلی شامل شرایط علی، عوامل زمینه‌ای، مقوله محوری، راهبردها، شرایط مداخله‌گر و پیامدهای خط مشی‌گذاری در مدل ایفای نقش کرده و چارچوب آن را تشکیل می‌دهند. عوامل علی شامل موانع خط مشی‌گذاری مناطق آزاد، موانع اجرای قوانین و خط‌مشی‌ها، موانع صادرات در سطح بنگاه و عوامل بازدارنده تولید؛ بر روی پدیده محوری یعنی توسعه صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد تأثیر می‌گذارند و کارکرد مناطق آزاد را با مشکل و خلل مواجه می‌سازند. راهبردهایی که برای برون رفت از این مشکل و بهبود و توسعه صادرات، وجود دارد، در هفت شاخه اصلی و تحت عناوین راهبردهای بهبود فرآیند تصمیم‌گیری، راهبردهای بهبود ساختار شورای عالی مناطق آزاد، سیاست‌های توسعه صادرات، سیاست‌های رونق تولید، بهبود عوامل بازاریابی، ارتقاء بهره‌وری مدیریت و پیروی از الگوهای ملی توسعه صادرات، قابل طبقه‌بندی هستند. برخی از متغیرها و عوامل، می‌توانند راهبردها یا راه‌حل‌های اصلاح خط مشی‌گذاری و توسعه صادرات را دستخوش تغییر و تحول نمایند و بر راهبردها اثرات مثبت یا منفی بگذارند. این عوامل، در دو گروه متغیرهای زمینه‌ای و مداخله‌گر قابل تقسیم‌بندی هستند. متغیرهای زمینه‌ای شامل بسترها و الزامات مناطق آزاد، توانمندی‌ها و مزیت‌های مناطق آزاد، ساختار اقتصادی و ساختار فرهنگی هستند، اما متغیرهای مداخله‌گر که اغلب اوقات اثرات منفی

و بازدارنده بر جای می‌گذارند، تحت عنوان عوامل فشار و ذینفع و عوامل مرتبط با فساد و منفعت طلبی مشخص گردیده‌اند. به طور کلی متغیرهای زمینه‌ای و مداخله گر از دو جهت بر راهبردها تأثیر می‌گذارند جهت اول، تأثیرگذاری بر روی روند و فرآیند اخذ تصمیمات یا تصویب راهبردهاست و جهت دوم، تأثیرگذاری بر روند اجرای راهبردهاست. زمانی که فرآیندهای خط‌مشی گذاری و نهادها و ساختارهای آنها اصلاح شوند و یک سیستم خط‌مشی گذاری کارآمد، چابک، علمی، عقلایی و شایسته، برقرار گردد، در چنین سیستمی، خط‌مشی‌ها و سیاست‌های بهینه، کارآ و درخور، در زمان مناسب به تصویب رسیده و به اجرا گذاشته می‌شود و پیامد خط‌مشی‌های بهینه و مناسب نیز، تبدیل شدن مناطق آزاد به سکوی صادرات و موتور توسعه کشور و همچنین تحقق اهداف ذاتی، قانونی و عملی مناطق آزاد خواهد بود. در نگاهی دقیق تر با ملاحظه و ذکر جزئیات، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مسئله اساسی و محوری و مغفول مناطق آزاد، توسعه صادرات غیر نفتی در این مناطق است و اهم مشکلاتی که بر سر راه توسعه صادرات در مناطق آزاد وجود دارد، تحت عنوان عوامل علی، قابل شناسایی و معرفی هستند. این عوامل، در چارچوبی منسجم و معجزا از سایر متغیرهای مدل در شکل شماره ۲ به خوبی نشان داده شده‌اند. مهمترین عوامل علی یا مشکلات توسعه صادرات، معطوف به وضع و اجرای خط‌مشی‌ها هستند. شورای عالی مناطق آزاد، عهده‌دار وظیفه خط‌مشی گذاری و نظارت بر مناطق آزاد است ولی به دلیل ضعف سازوکار تصمیم‌گیری که در اثر عواملی مانند بزرگی و کثرت اعضا، دشواری گردآوری اعضا، عدم برگزاری جلسات منظم، خلاء علمی و نگاه نظارتی سختگیرانه بوجود آمده است، قادر به انجام وظایف خویش به نحو احسن نبوده است.



شکل ۲ - عوامل علی مدل خط‌مشی گذاری توسعه صادرات غیر نفتی.

همچنین، عامل تعارض خط‌مشی‌ها با زیرمجموعه مفاهیمی مانند عدم ثبات و پراکندگی سیاست‌ها و تعدد ضوابط و ضابطه‌نویسان و عامل تعارض خط‌مشی‌پذیران، ناشی از عدم مشارکت مناطق آزاد و بخش خصوصی در تصمیم‌گیری‌ها و اشکالات و چالش‌های قانونی از قبیل نبود التزام اجرای قوانین، ابهام قوانین و صعوبت و تطویل مقررات زدائی و در نهایت، مقوله انحراف مناطق آزاد از الگوی علمی و جهانی، همگی از موانع خط‌مشی‌گذاری مناسب برای توسعه صادرات در مناطق آزاد تلقی می‌گردند. از طرفی دیگر همین قوانین و خط‌مشی‌های موجود نیز به دلیل قانون‌گریزی دستگاه‌های دولتی و عدم تبعیت از واگذاری اختیارات سازمانی به مدیریت مناطق آزاد، برداشت‌های متناقض از قوانین، و موانع مدیریتی و تشریفات تجاری شامل، خلاء علمی و کارشناسی، کمبود بودجه، ضعف اختیارات و انگیزه در مدیران مناطق آزاد، عدم ثبات مدیریت، بوروکراسی مضاعف، نظارت غیرهوشمندانه و تشریفات طولانی و دست‌وپاگیر اداری و تجاری، در مرحله اجرا نیز به ناکامی دچار خواهد شد. بخش خصوصی نیز به دلیل عدم رشد یافتگی و کوچک بودن بنگاه‌های تولیدی و در یک کلام ضعف عناصر رقابتی شرکت‌های داخلی و مزیت‌ها و مشوق‌های فراوان رقبای بین‌المللی، نتوانسته است در بازارهای جهانی حضوری مؤثر داشته باشد. بدیهی است که توسعه صادرات در گرو توسعه تولید است و خط‌مشی‌گذاری صادرات به خط‌مشی‌گذاری تولید وابسته است و هر آنچه که تحت عنوان موانع تولید و سرمایه‌گذاری از جمله کمبود سرمایه و مواد اولیه، ضعف امنیت سرمایه‌گذاری، دشواری در دسترسی به دانش و فناوری روز، مشکلات چاپ و بسته‌بندی و از این قبیل، برشمرده می‌شود یقیناً از موانع صادرات نیز به حساب می‌آید و بر توسعه صادرات در مناطق آزاد اثر مستقیم دارد. نتایج فراگیر این پژوهش نشان می‌دهد که در پیش گرفتن برخی از راهبردها از جمله بهبود و اصلاح فرایند تصمیم‌گیری در شورای عالی مناطق آزاد و بهبود ساختار این شورا، می‌تواند فرایند خط‌مشی‌گذاری در مناطق آزاد را در جهت وضع سیاست‌های مناسب برای توسعه صادرات اصلاح نماید. یکی از مهم‌ترین راهبردها در این خصوص، به کارگیری الگوهای استاندارد از جمله خط‌مشی‌گذاری عقلایی و همچنین خط‌مشی‌های جامع در کنار خط‌مشی‌های انحصاری برای هر یک از مناطق آزاد است. شورای عالی مناطق آزاد علاوه بر مشارکت دادن مدیریت مناطق آزاد و بخش خصوصی در خط‌مشی‌گذاری، نیاز به اصلاحات اساسی در همه مراحل فرایند خط‌مشی‌گذاری از جمله شناخت و درک مسئله، تدوین، تصویب، اجرا و ارزیابی خط‌مشی‌ها دارد و مهمترین اقدامات در این زمینه؛ ایجاد نهاد تحقیق و توسعه، تدوین سند توسعه هر منطقه، بازنگری قوانین، ثبات قوانین، قانونمندی و به کارگیری نظارت تکنولوژیک است. برای اصلاح ساختار شورای عالی و دبیرخانه آن نیز ضروری است که تعداد اعضای شورا به ۵ عضو اصلی و مرتبط کاهش یافته و تمام الزامات چابکی شورای عالی از جمله سرعت و انعطاف در تصمیم‌گیری، در دستور کار قرار گیرد. به علاوه، شرکت رئیس جمهور و وزرا در جلسات شورای عالی، ارتقاء وجه علمی دبیرخانه، انتخاب اعضای کارگروه شورای

عالی از بین نخبگان علمی و اداری کشور و توجه به صلاحیت و تعهد خط‌مشی‌گذاران، از دیگر اقدامات راهبردی در این زمینه است. برنامه‌های ارتقاء بهره‌وری مدیریت از جمله انتصاب مستقیم و ضابطه‌مند، زمان‌دار و دوره‌ای مدیران مناطق آزاد توسط رئیس‌جمهور، برنامه‌های زماندار پلکانی، برنامه‌های اجرایی بلندمدت میان‌مدت و کوتاه‌مدت، یکپارچگی مدیریت و واگذاری اختیارات دستگاه‌های دولتی به مدیران مناطق آزاد، چابک‌سازی و استفاده از نظارت هوشمند و الکترونیک و ارزیابی عملکرد مدیران نیز، برای توانمندسازی اداره مناطق آزاد جهت اجرای سیاست‌های توسعه صادرات، ضروری خواهد بود. اقدام راهبردی و مهم دیگری که در این پژوهش به آن اشاره شده است سیاست‌های توسعه صادرات و سیاست‌های رونق تولید است، روان‌سازی تجارت، اصلاح سیاست‌های ارزی، وضع مشوق‌های صادراتی، ایجاد پنجره واحد تجارت، آموزش عملی صادرکنندگان، برپایی تورهای اقتصادی، فراهم کردن مواد اولیه و سرمایه برای تولید، سرعت واگذاری زمین به سرمایه‌گذاران و بهبود محیط کسب و کار از جمله مهم‌ترین سیاست‌های صادراتی و تولیدی هستند. همه اقدامات و سیاست‌های پیش‌گفته زمانی مؤثر است که بتوان در بازارهای بین‌المللی نفوذ کرد و سهم درخوری در این بازارها کسب نمود. بنابراین بهبود عوامل بازاریابی، شامل راهبردهای ورود به بازارهای بین‌الملل، راهبردها، گرایش‌ها و ابعاد بازاریابی از ضروری‌ترین اقدامات در این زمینه است که می‌تواند توأمأً توسط متولیان مناطق آزاد و بخش خصوصی صورت پذیرد. تشکیل شرکت‌های مدیریت صادرات، برندسازی، برگزاری و شرکت در نمایشگاه‌های تخصصی، مطالعه بازار، آینده‌پژوهی، ایجاد بازارچه‌های مرزی، افزایش کیفیت و کاهش قیمت تمام شده و تبدیل مناطق آزاد به قطب محصولات با کیفیت، برخی از مهم‌ترین شاخص‌های مرتبط با عوامل بازاریابی هستند. آخرین اقدام راهبردی شناخته شده در این پژوهش، پیروی مناطق آزاد از الگوهای ملی توسعه صادرات است چرا که قوانین و اسناد بالادستی با پشتوانه علمی کشوری وضع شده‌اند و حاصل سال‌ها تجربه و آزمون و خطا بوده‌اند، ضمن اینکه الزامات قانونی برای پیروی مناطق آزاد از ارکان و اسناد بالادستی، مانند برنامه‌های توسعه کشوری نیز وجود دارد. در همین زمینه، یکی از ارکانی که نمونه موفق آن در کشورهای توسعه یافته وجود دارد و در مفاهیم پژوهش به خصوصیات ساختاری و ذاتی آن پرداخت شده و پیشنهاد تشکیل آن داده شده است، نهاد تنظیم‌گر می‌باشد. این نهاد که صفت بارز آن استقلال مالی و استقلال رأی می‌باشد می‌بایست برای تنظیم روابط بخش‌های مختلف اقتصاد، بازنگری و پیشنهاد اصلاح قوانین و جلوگیری از رانت و فساد، با شرکت اکثریتی از نخبگان و فرهیختگان غیر دولتی و اقلیتی از مدیران و خبرگان دولتی تشکیل شود و نمونه کوچک شده‌ای از آن نیز می‌تواند در مناطق آزاد تأسیس گردد. اما راهبردهایی که بیشتر به طور مختصر به آنها اشاره گردید ممکن است تحت تأثیر متغیرهای دیگری قرار بگیرند و از شدت و کارایی آنها کاسته یا افزوده شود. متغیرهایی که بر راهبردها، تأثیر می‌گذارند، به دو بخش عوامل زمینه‌ای و عوامل مداخله‌گر قابل تقسیم هستند. عوامل زمینه‌ای، نقش اساسی در کارکرد راهبردها

خواهند داشت. این عوامل، که مفاهیم و شاخص‌های آنها به صورت کامل در جداول کدگذاری آمده است در چهار دسته شامل بسترها و الزامات مناطق آزاد، توانمندی‌ها و مزیت‌های مناطق آزاد، ساختار اقتصادی و ساختار فرهنگی دسته‌بندی شده‌اند. در بین تمامی مفاهیم استخراج شده از تحقیق، بیشترین تکرار و فراوانی کدها، مربوط به تاسیسات زیربنایی و ویژگی موقعیت جغرافیایی بوده است که مهم‌ترین مقوله از عوامل زمینه‌ای به حساب می‌آیند و مفاهیمی از قبیل مکان‌یابی درست مناطق آزاد، برخورداری از امکانات زیربنایی از جمله اسکله، آب، برق، گاز، مخابرات، اینترنت، راه‌های دسترسی هوایی، زمینی، ریلی و دریایی و ایجاد نهادهای پشتیبان از جمله بانک، بیمه، دانشگاه، آموزشگاه‌های فنی، بیمارستان و موارد مشابه را در بر می‌گیرند. وجود مزیت‌های مختلف نیز در زمره متغیرهای زمینه‌ای هستند که می‌توانند بر راهبردها اثر مثبت داشته باشند و باعث استقبال فعالان اقتصادی از برنامه‌های مناطق آزاد گردند. دو عامل دیگر زمینه‌ای که تأثیر اساسی و ریشه‌ای بر تمام فرایندها و فعل و انفعالات مناطق آزاد می‌گذارند، ساختار اقتصادی و فرهنگی کشور و مناطق آزاد هستند، به طوری که یک ساختار اقتصاد ناسالم، نشأت گرفته از راندمان پائین بهره‌وری در اقتصاد، خصوصی سازی اشتباه و نبود جایگاه واقعی بخش خصوصی و فرهنگ مخرب با نشانه‌هایی از ترس، منفی‌نگری، بی‌باوری و بی‌ارادگی، می‌تواند تمام تلاش‌های راهبردی برای توسعه صادرات را با سدی آهنین مواجه سازد و بالعکس، اصلاح ساختار اقتصادی و تقویت فرهنگ سازنده نیز، نقش پیشران در اجرای راهبردها و خط‌مشی‌های صادراتی خواهد داشت. عوامل مداخله‌گر یک گروه دیگر از متغیرها هستند که تحت شرایطی خاص، قابلیت اثرگذاری جدی بر راهبردها را دارا هستند و برخی از مفاهیم شناخته شده آن از قبیل وجود بخشی‌نگری در دستگاه‌های دولتی و سیاستگذاران، انتصاب سیاسی مدیران مناطق آزاد، دخالت باندهای رانت خوار و مافیایی در تصمیمات مناطق آزاد، عدم دسترسی به بازارهای خارجی، فناوری، سرمایه و مواد اولیه به دلیل تعارضات سیاست خارجی و در نهایت، فساد و منفعت‌طلبی در بخش دولتی و خصوصی، همگی از معضلات مناطق آزاد به حساب می‌آیند و می‌توانند اجرا و حتی وضع راهبردهای توسعه صادرات را با مشکل جدی مواجه سازند. آخرین مقوله مدل خط‌مشی‌گذاری توسعه صادرات غیر نفتی در مناطق آزاد، پیامدهای اجرای مدل به طور اعم، و نتایج اجرای راهبردها به طور اخص است. اولین نتیجه نهایی یا پیامد مدل پژوهش حاضر، تبدیل مناطق آزاد از سکوی واردات به سکوی صادرات و پس از آن یا به دنبال آن، تبدیل شدن مناطق آزاد به موتور توسعه کشور است، به طوری که به عنوان بخش پیشتاز اقتصاد بتوانند ایفای نقش نمایند. دیگر پیامدهای حاصل از اجرای راهبردهای مندرج در مدل را می‌توان در ذیل اهداف مناطق آزاد، شامل اهداف قانونی، اهداف ذاتی و اهداف عملی تعریف کرد. از آنجا که هدف اساسی و اصلی ایجاد مناطق آزاد، کمک به صنعتی شدن کشور از طریق توسعه صادرات است، لذا می‌توان سایر اهداف مناطق آزاد را نیز در طول و در زنجیره علل تحقق این هدف اولیه تعریف نمود؛ چرا که به عنوان مثال، سرمایه‌گذاری و تولید، لازمه صادرات است و

انجام سرمایه‌گذاری و تولید، باعث ایجاد اشتغال، رفاه و آبادانی خواهد شد. پژوهش‌های پیشین از جمله گین گولد و همکاران (۱۹۹۳)، آلبویوم و همکاران (۲۰۰۸)، مورگان و کاتسیکیاس (۱۹۹۷)، بالکی و دیگران (۱۹۹۰)، شاو و داروچ (۲۰۰۴)، تسفوم (۲۰۰۶)، پورتو (۲۰۰۵)، میرقربانی گنجی (۱۳۹۲)، در بررسی موانع صادرات به مسائلی همچون دانش بازاریابی، مدیریت صادرات، موقعیت رقابتی، کمبود منابع، موانع تعرفه‌ای و موانع آئین‌نامه‌ای اشاره کرده‌اند که این پژوهش در بخش مفاهیم مندرج در عوامل علی، با این تحقیقات همخوانی دارد. همچنین خورشیدی و همکاران (۱۳۹۵) و کامران (۱۳۸۱) با اشاره به عدم مکان‌یابی صحیح مناطق آزاد، راهبردهایی برای ساختار صادراتی مناطق آزاد، شامل قابلیت‌های سازمانی، قابلیت‌ها و شایستگی‌های مدیریت و استراتژی‌های رقابتی و بازاریابی پیشنهاد دادند که هم‌راستا با نتایج به دست آمده از این پژوهش است. در زمینه مطالعات خط‌مشی‌ها و سیاست‌های توسعه صادرات نیز می‌توان به خط‌مشی‌های پیشنهادی سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۲۰۰۹)، آنکتاد (۲۰۰۴)، و داس و همکاران (۲۰۰۷ و ۲۰۱۶) اشاره کرد که به مواردی از جمله تأمین منابع مالی، بهبود محیط کسب و کار، توسعه قابلیت‌های صادراتی، افزایش دسترسی به بازار، ارائه مشوق‌ها و مشارکت بخش دولتی و خصوصی برای توسعه بنگاه‌ها اذعان نمودند و پژوهش حاضر در همه موارد، با خط‌مشی‌ها و راهبردهای پیشنهادی این مطالعات مطابقت کامل داشته است. هر کدام از مطالعات پیشین در یک بخش با پژوهش حاضر همپوشانی داشته است ولیکن هیچ‌کدام، به تنهایی سه مقوله صادرات، مناطق آزاد و خط‌مشی‌گذاری را مورد بررسی قرار نداده‌اند.

پیشنهاد‌های سیاستی

با توجه به نتایج به دست آمده از این پژوهش پیشنهاد می‌شود که اقدامات زیر مدنظر قرار گیرد:

- ۱- اصلاح فرایند و ساختار خط‌مشی‌گذاری، مقدم بر اصلاح خط‌مشی‌های توسعه صادرات است. لذا به شورای عالی مناطق آزاد و ارکان بالادستی آن پیشنهاد می‌گردد ابتدا نسبت به چابک‌سازی، کارآمدسازی و اصلاح سازوکار شورای عالی، مطابق مفاهیم مندرج در تحقیق اقدام نمایند و سپس، وضع یا بازنگری خط‌مشی‌ها در دستور کار قرار گیرد.
- ۲- پیشنهاد می‌گردد که شورای عالی، هیئت مدیره و مدیران مناطق آزاد نسبت به پیروی از الگوهای موفق بین‌المللی و رهیافت‌های علمی مبادرت ورزند.
- ۳- از آنجا که مدیریت یکپارچه در مناطق آزاد یکی از مهم‌ترین و صریح‌ترین قوانین مصوب مناطق آزاد و یک رویه جاری بین‌المللی است و نیاز به گذراندن هیچ مصوبه دیگری ندارد، پیشنهاد می‌گردد در اولین اقدام، این ماده قانونی با دستور رئیس‌جمهور محترم و تعیین ضمانت اجرایی محکم به مورد اجرا گذاشته شود.

منابع

- ۱ - حمیدی زاده، محمد رضا و زرگران یزد، مریم (۱۳۹۵). راهبرهای ورود و حفظ بازارهای منطقه ای و جهانی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲ - خورشیدی، غلامحسین. حاجی پور، بهمن. عزیزی، شهریار و حنظل عیدانی، حمید (۱۳۹۵). طراحی و تبیین الگوی توسعه صادرات در مناطق آزاد تجاری ایران، کنفرانس جهانی مدیریت، اقتصاد حسابداری و علوم انسانی در آغاز هزاره سوم، شیراز، پژوهش شرکت ایده بازار صنعت سبز.
- ۳ - خوش چهره، محمد. ایروانی، محمدجواد. حسینی، سید شمس‌الدین و علوی، حمید (۱۳۹۸). ارائه الگوی راهبردی تولید ملی با رویکرد اقتصاد مقاومتی، مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی، سال سوم، شماره ۱۱، صص ۳۲۵-۳۷۲.
- ۴ - فراستخواه، مسعود (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه بر پایه، تهران: انتشارات آگاه، چاپ دوم.
- ۵ - کامران، حسن (۱۳۸۱)، علل توسعه نیافتگی مناطق آزاد ایران، تحقیقات جغرافیایی، دوره ۱۷، شماره ۳-۲ (پیاپی)، صص ۴۲-۳۲.
- ۶ - گریفین، کیت (۱۳۹۴)، راهبردهای توسعه اقتصادی، چاپ پنجم، ترجمه: حسین راغفر و محمدحسین هاشمی، تهران نشر نی.
- ۷ - محمدی، مقداد و احمدی، علی محمد و غفاری، حسن محمد (۱۳۸۹). ارزیابی اثر اعتبارات بانکی و نرخ حقیقی ارز بر رشد صادرات محصولات کشاورزی (۱۳۶۳-۱۳۸۵)، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال ۱۹، شماره ۷۳، صص ۶۰-۹۰.
- ۸ - منوریان، عباس. مقیمی، سیدمحمد. موحدی، محمود و حسین‌زاده، ماشاا... (۱۳۹۱). طراحی الگوی خط مشی گذاری توسعه صادرات بنگاه‌های کوچک و متوسط با استفاده از راهبرد نظریه پردازی داده بنیاد، مدیریت دولتی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۱۴۴-۱۲۳.
- ۹ - میرقربانی گنجی، سیدموسی (۱۳۹۲). بررسی موانع توسعه صادرات غیرنفتی و شناسایی عوامل تقویت کننده صادرات، مدیریت صنعت هوشمند، سال شانزدهم، شماره ۱۰/۱ پیاپی ۱۵۱، صص ۲۹-۲۳.
- ۱۰ - ولی‌زاده‌اوغانی، اکبر و تقی‌زاده‌اصل، هاجر (۱۳۹۵). اولویت بندی عوامل مؤثر بر توسعه سرمایه گذاری در منطقه آزاد تجاری ارس با بکارگیری تکنیک "TOPSIS"، فصلنامه مدیریت زنجیره ارزش، دوره ۱، شماره ۴، صص ۶۴-۵۳.
- 11- Albaum, G., & Duerr, E. (2008). International marketing and export management. Pearson Education.
- 12- Alvarez, R., & López, R. A. (2008). Entry and exit in international markets: Evidence from Chilean data. Review of International Economics, 16(4), 692-708.
- 13- Birks, M, Mills, J.(2015). Grounded theory: a practical guide. 2nd ed. London: SAGE.
- 14- Bost.Francios. (2019).special economic zones:Methodological issues and definition ,transnational corporation ,26(2).
- 15- Buckley, P., (1990), Problems and development in the coretheory of international business, Journal of International Business Studies, Fourth Quarter, pp. 567-664.
- 16- Charmaz, K.(2006). constructing grounded theory: a practical guide through qualitative analysis. Thousand Oaks, CA: SAGE.
- 17- Das, B., Shil, N. C., & Pramanik, A. K. (2007). Strengthening SMEs to make export competitive.
- 18- Das, P. (2016). Roadmap for Development of Micro, Small and Medium Enterprises (MSME) in Odisha. Vilakshan: The XIMB Journal of Management, 13(2).
- 19- Ghingold, Marry, Bruce, Johnson;(1993). "Intrafirm Technical Knowledge and Competitive Advantage: A Framework for Superior Market Driven Performance", Journal of Business and Industrial Marketing, Vol.13, No. 1, .
- 20- Griffith, D. A., & Czinkota, M. R. (2012). Release the constraints: Solving the problems of export financing in troublesome times. Business Horizons, 55(3), 251-260.
- 21- Kliment Naydenov(2018)THE ROLE OF FREE ECONOMIC ZONES FOR THE DEVELOPMENT OF THE REGIONAL ECONOMY,Conference Paper ,DOI: 10.5593/sgemsocial2018/5.2/S20.069.
- 22- LLO (2003), Governing Body, Committee on Employment and Social Policy, Employment and Social Policy in Respect of Export Processing Zones, P. I. (GB.286/ Eps/3/ March).
- 23- -Mills J, Birks M.(2020). Qualitative methodology: a practical guide. London: SAGE Publications Ltd.
- 24- Morell, J, A. (2018). Systematic iteration between model and methodology: A proposed approach to evaluating unintended consequences. Evaluation and Program Planning Vol.68

- 25- Morgan, M.E., Katsikeas, C.S., (1997), Obstacles to exportinitiation and expansion, Omega, Vol 25, No. 6, pp. 677-90.
- 26- OECD. (2009). Top Barriers and Drivers to SME Internationalisation. Report by the OECD Working Group Party on SMEs and Entrepreneurship, Paris: OECD.
- 27- Porto, G. G. (2005). Informal export barriers and poverty. Journal of international Economics, 66(2), 447-470.
- 28- Shaw, V., Darroch, J., (2004), Barriers tointernationalization: a study entrepreneurial newventures in New Zealand, Journal of International Entrepreneurship, Vol 2. No, 4.
- 29- Strauss, A. and Corbin (1990), "Grounded Theory Research: procedures, canons and evaluative criteria", Qualitative sociology, VOL.13, NO 1.
- 30- Tesfom, G.,(2006), A classification of export marketingproblems of small and medium sized manufacturing firmsin developing countries, International Journal of Emerging Markets, Vol. 1, No. 3, pp. 262-281.
- 31- UNCTAD. (2004). Promoting the Export Competitiveness of SMEs,Commission on Enterprise, Business Facilitation and DevelopmentExpert Meeting on Promoting the Export Competitiveness of SMEs, Geneva, 8–10 December.
- 32- UNCTAD. (2019). World Investment Report 2019: Special economic zones. New York and Geneva: United Nations, pp. 126-206.
- 33- UNIDO.,(2003), Development of clusters and Networks ofSMEs: The UNIDO programmer a guide to exportconsortia, United Nations Industrial Development Organization, Vienna.
- 34- World Bank group. (2017) special economic zones.
- 35- World Free Zones Organization. (2021).